



## حد دخالت والدین در ازدواج فرزندان و کسب رضایت آنها

والدین، تا چه حد حق دارند که در ازدواج فرزندان خود دخالت داشته باشند؟ در مورد ازدواج، تشخیص کدامیک مقدم است؟ اگر جوانی قصد ازدواج داشته باشد و این نیاز را به صورت جدی نیز ابراز کند...

والدین، تا چه حد حق دارند که در ازدواج فرزندان خود دخالت داشته باشند؟ در مورد ازدواج، تشخیص کدامیک مقدم است؟ اگر جوانی قصد ازدواج داشته باشد و این نیاز را به صورت جدی نیز ابراز کند، ولی والدین اقدام به ازدواج را برای فرزندشان زود بدانند، در این صورت حق با چه کسی است و چه راهکاری برای تغییر نظر والدین وجود دارد؟

والدین، تا چه حد حق دارند که در ازدواج فرزندان خود دخالت داشته باشند؟ در مورد ازدواج، تشخیص کدامیک مقدم است؟ اگر جوانی قصد ازدواج داشته باشد و این نیاز را به صورت جدی نیز ابراز کند، ولی والدین اقدام به ازدواج را برای فرزندشان زود بدانند، در این صورت حق با چه کسی است و چه راهکاری برای تغییر نظر والدین وجود دارد؟

سیمت و عنوان پدر و مادر، یک مسئولیتی را برای ازدواج فرزندان بر عهده والدین می‌گذارد؛ گر چه این مسئولیت به عهده همه کسانی است که قادرند کاری انجام دهند، ولی والدین وضعیت دیگری دارند.

یک مسئولیت عامی که همه افراد جامعه به آن مؤظف هستند از جمله والدین، عبارت است از خیرخواهی و فراهم کردن ازدواج برای جوانان.

قرآن مجید، وظیفه ازدواج دختران و پسران را بر عهده همه افراد جامعه اسلامی، به ویژه نزدیکان آنها قرار داده است و می‌فرماید: «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْطِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مردان و زنان بی‌همسری در بین شما هستند را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درست‌کارتان را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد. خداوند گشایش دهنده و آگاه است.»<sup>1</sup>

ولی در مورد اینکه والدین چقدر دخالت می‌کنند، طبیعی است که فرزندان در زندگی، نوعی از کم‌تجربگی برخوردار هستند و تجربه چندانی ندارند هر چند مواردی را از دیگران مشاهده کرده‌اند یا مطالعاتی در این باره داشته‌اند، ولی در خصوص خود، تجربه عملی نداشته‌اند.

اولین افرادی که می‌توانند در مورد امر مهم ازدواج به فرزندان کمک کنند، افرادی هستند که به آنها نزدیک‌ترند و آنها را می‌شناسند که مسلماً پدر و مادر این دو ویژگی را نسبت به فرزندانشان دارند و بیش از دیگران نسبت به آنها شناخت دارند.

البته گاهی بعضی والدین هستند که فرزندان خود را به درستی نمی‌شناسند؛ قادر نیستند استعدادها و ظرفیت‌های او را درک کنند و چه بسا اجازه فرصت بروز استعدادها و توانمندی‌ها را به فرزندان خود نمی‌دهند.

لذا اینگونه والدین، قادر نخواهند بود که به فرزندان خود جهت پیشبرد و شکوفایی آنها کمک کننده و مشاوره دهنده خوبی باشند.

بنابراین قبل از هر چیزی در ابتدا باید فرزند خود را به طور کامل شناخت؛ این که چه استعدادها و توانمندی‌هایی دارد و این که از چه نقاط ضعف و قوتی برخوردار است.

قدم بعدی این است که والدین با فرزندان خود رابطه عاطفی که بر مبنای عقلانیت باشد، داشته باشند؛ زیرا حفظ این روابط بهتر می‌تواند پذیرش مشاوره و نظرات درست والدین در فرزندان، ایجاد کند.

از این رو والدین نیاز به شناخت فرزند خود و همچنین حفظ روابط عاطفی با او دارند، تا بتوانند او را در انتخاب‌ها و گزینش‌هایی که در زندگی پیش رو دارد، کمک کننده خوبی برای او باشند.

این وظیفه مهم والدین است، که بهترین ازدواج را برای فرزند خود فراهم کنند. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «فرزند سه حق بر پدر دارد: اول انتخاب نام نیکو، دوم کتابت، نوشتن و سواد آموزی، سوم ازدواج، زمانی که فرزند بالغ شد.»<sup>2</sup>

از این روایت به روشنی استفاده می‌شود که والدین وظیفه اخلاقی دارند، در حد توان خود همه زمینه‌های ازدواج فرزند خود را فراهم کنند و او را در انتخاب همسر شایسته و تشکیل کانون گرم خانواده یاری کنند و در صورتی که بتوانند در این زمینه حتی قدم کوچکی بردارند ولی کوتاهی کنند، به وظیفه خود عمل نکرده‌اند؛ مگر این که در پیشگاه خدای متعال عذری داشته باشند.

البته هر پدر و مادری نمی‌تواند این حق را برآورده کند؛ زیرا چه بسا، پدر و مادرهایی که به زعم خود خیرخواه فرزندشان هستند، کاری یا تصمیمی بگیرند که موجب ایجاد مشکلاتی برای فرزند خود شوند.

مانند جایی که تلاش می‌کنند نظرات خود را به فرزندانشان تحمیل کنند! غافل از آن که فرزند اصلاً تمایلی به این خانم یا این نوع ازدواج ندارد. هر چند اگر فرزند تمایل غلطی هم داشته باشد، باید تمایل و گرایش او را به تدریج درست کرد.

ابن ابی یعفر می‌گوید: به حضرت صادق علیه‌السلام عرضه داشتم، «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ امْرَأَةً وَ إِنَّ أَبَوَيَّ أَرَادَا عَيْزَهَا قَالَ تَزَوَّجِ التِّي هُوَ بِيَتٍ وَ دَعِ التِّي يَهُوَى أَبَوَاكَ؛ من برای ازدواج زنی را انتخاب کرده‌ام و پدر و مادرم دیگری را، تکلیف من چیست؟ حضرت فرمود: آن را که خودت دوست داری اختیار کن و آن را که پدر و مادر پسندیده‌اند، رها کن.»<sup>3</sup>

لذا، دخالت در صورت قانع کردن فرزند، البته بدون هیچ امر و نهی‌ای، به گونه‌ای که به فرزند آرامش دهد تا بتواند به درستی تصمیم‌گیری کند، چنین دخالتی اشکالی نخواهد داشت.

گاهی بعضی والدین، خیال می‌کنند که به مصلحت فرزندانشان است که دخالت‌هایی در امر ازدواج او داشته باشند. گاهی فرزند تمایل به ازدواج دارد، ولی پدر و مادر مانع او می‌شوند؛ به طوری که به او می‌گویند الان ازدواج برای تو زود است.

متأسفانه عده‌ای قابل توجه از خانواده‌ها بر این باور هستند که سن تازه‌جوانان، برای ازدواج پایین است؛ لذا هر چند از نظر مالی مشکلی در آماده کردن شرایط ازدواج فرزند خود ندارند، ولی باز هم برای ازدواج آنها اقدام نمی‌کنند.

در حالی که دین اسلام خواسته است که ازدواج به صورت سهل و آسان گرفته شود و با حداقل شرایط لازم انجام شود و بقیه موارد فضل است؛ ولی شرط نیست.

لازم است به خانواده‌ها این توجه را داد که خدایی که در انسان جوان احساس نیاز جنسی و عاطفی را قرار داده است، صلاحیت پاسخ‌گویی به آن را از راه ازدواج به او داده است.

در انسان جوان استعداد ذاتی پذیرش مسئولیت خانواده وجود دارد که باید با وارد شدن به مرحله عمل شکوفا شود؛ همچون ورزشکاری که تا وارد میدان عمل نشود، قادر نخواهد بود استعداد خود را شکوفا کند.

از طرفی فرد جوان، تا به صورت عملی زیر بار مسئولیت نرود، احساس مسئولیت در او به فعلیت نخواهد رسید. از این‌رو خانواده باید فرزند خود را با ازدواج وارد میدان زندگی کرده و با همراهی او در این مسیر، به تدریج او را برای پذیرش عملی مسئولیت خانواده آماده کند.

اما از طرفی دیگر، محدودیت‌هایی که والدین برای ازدواج فرزندانشان ایجاد می‌کنند، چه بسا یکی از آثار سوئش این باشد که به تدریج دختران و پسران به سمت ارتباط‌های پنهانی هدایت شوند.

بنابراین صلاح و مصلحت فرزندی که برای او ازدواج لازم شده است، این است که ازدواج کند و هیچ مصلحتی بالاتر از این قرار نخواهد گرفت.

### قطع ارتباط تربیتی والدین و فرزندان

هنگامی که والدین در زمانی که فرزندان آنها به شدت نیاز عاطفی و جنسی دارند، اصلاً توجهی به موقعیت آنها نمی‌کنند و یا اگر توجه هم بکنند، غیر از خود نگهداری، راه‌حل دیگری برای ارائه دادن ندارند، فرزندان احساس خواهند کرد که والدین نیاز شدید آنها را درک نمی‌کنند، لذا به تدریج از والدین خود فاصله گرفته و سراغ افرادی می‌روند که چه بسا به انحراف آنها منجر شود.

هر چه زمان می‌گذرد، نقش تربیتی والدین هم کمرنگ‌تر می‌گردد؛ تا جایی که تنها جسم فرزند در زمان‌های خاص پیش آنها باقی می‌ماند و در زمان‌های دیگر به جایی می‌رود که دلش می‌طلبد و کاری انجام می‌دهد که به آن مشتاق است و از آنجایی که ناپخته است، بدون احتیاط به وادی خطر قدم می‌گذارد؛ ولی والدین از چیزی آگاهی ندارند. به انواع کارهای خلاف دچار می‌شوند، ولی باز هم والدین بی‌اطلاع هستند؛ زیرا فرزند مخفی کاری را یاد گرفته است و حتی در بعضی موارد فریبکار هم شده است!

### شیوه جلب موافقت خانواده برای ازدواج

یکی از موانعی که جوانان در آستانه ازدواج با آن روبه‌رو می‌شوند، نفوذ ناپذیر دانستن والدین خود در موافقت آنها با ازدواج است؛ به این دلیل که جوانان نسبت به قدرت شگرف خود در اثر گذاری بر والدین خود آگاهی ندارند؛ زیرا والدین به شدت به فرزند خود علاقه دارند و فرزندانشان می‌توانند با استفاده از راهکارهایی، چه از راه علاقه و چه از راه ترس، نظر والدین خود را برای ازدواج جلب کنند.

از این رو، فرزندان به جهت جلب نظر و موافقت والدین خود با ازدواج آنها، می‌توانند از راهکارهای زیر جهت موافقت آنها استفاده کنند؛

1. توکل بر خدای متعال و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و همچنین دعا کردن جهت نرم شدن دل والدین. در این باره پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده: «مَنْ انْقَطَعَ إِلَى اللَّهِ كَقَاهُ اللَّهُ مَوْتَهُ وَ رَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ انْقَطَعَ إِلَى الدُّنْيَا وَ كَلَهُ إِلَيْهَا؛ هر کس اعتماد و اتکانش را از غیر خدا ببرد، خداوند بی‌نیازش کند و رزق و روزیش را بدون حساب و کتاب و از جایی که فکرش نمی‌رسد به او بدهد و هر کس به دنیا متکی شود، خداوند او را به همان دنیا وا می‌گذارد.»<sup>4</sup>

2. ترساندن و بر حذر کردن اهل خانه نسبت به ادامه مجرد از طریق:

- بیان خطرهای موجود جامعه و شکننده بودن مقاومت بیشتر جوانان در شرایط حال حاضر، مانند: بیان نمونه‌هایی از ارتباطات نادرست، افزایش اسباب تحریک و احتمال ایجاد عشق به فرد نامناسب در محیط اختلاط.

- بیان غیرمستقیم در مورد در معرض خطر بودن خود، با بیان مواردی که برای دوستان و اطرافیان خود اتفاق افتاده و همچنین بیان موقعیت‌های لغزش و بیان این‌که مقاومت هر شخصی هم اندازه‌ای دارد.

3. فرزندان باید سعی کنند تا اطمینان والدین را نسبت به داشتن صلاحیت و توان پذیرش مسئولیت زندگی جلب کنند. مثلاً سعی کنند مسئولیت‌های مهم خانواده را خود به عهده بگیرند.

4. عقیده خود را در مورد نادرستی تأخیر ازدواج به والدین اعلام کنند.

5. می‌توان از طرق زیر نیاز به ازدواج را به خانواده اظهار کرد:

• به صورت غیر مستقیم؛ مانند ابراز ناراحتی و افسردگی به خاطر تنهایی

• استفاده از شوخی؛ مانند این‌که هنگامی که مادر خسته است، فرزند به او بگوید، اگر عروس شما این‌جا بود به شما کمک می‌کرد.

6. نشان دادن دختر مورد علاقه به والدین در صورتی که مورد علاقه آنها نیز باشد.

7. می‌توان بر یکی از والدین اثر گذاشت و او را به سراغ دیگری فرستاد.

8. کمک گرفتن از دیگر اعضای خانواده مانند خواهر، برادر و یا بزرگان قوم که می‌توانند بر والدین تأثیرگذار باشند.

9. بیان نظر دین در خصوص وجوب ازدواج در صورت نیاز داشتن به ازدواج

نکته حائز اهمیت این است که جوانان سعی کنند تا از حرف زدن والدین بر آشفته نشوند؛ اگر پدر یا مادر، سخن و حرف نامربوط و نادرستی زدند، سعی کنند خودشان را کنترل کنند و ناراحت نشوند؛ زیرا در طول زندگی زناشویی نیز حرف زدن خانواده‌ها زیاد اتفاق می‌افتد؛ لذا به جای بر آشفستگی، باید درست برخورد کرد.

جوانان به غیر از فعالیت در حیطه شخصی برای کسب کردن رضایت والدین خود، قادر خواهند بود که در جهت اصلاح فکری و رفتاری دیگر خانواده‌ها نیز با استفاده از کمک خیرین و بودجه فرهنگی شهرداری‌ها و دستگاه‌های دولتی و دانشگاه‌ها، از طرق زیر به صورت فردی و جمعی اقدام کنند؛

1- تشکیل سازمان‌های مردم نهاد، برای فعالیت فرهنگی

2- فعالیت در فضای مجازی همچون اینترنت [تشکیل سایت، وبلاگ و انتشار مطالب در محیط مجازی]

3- انتشار کتاب، سی دی، نشریه و گاهنامه یا بروشور

4- تشکیل جلسات سخنرانی برای پدران و مادران در مساجد، دانشگاه‌ها، فرهنگ سراها و...

### بهترین سن ازدواج

بهترین سن برای ازدواج پسران چه سنی است؟ برخی معتقدند پسران با توجه به شرایط حال حاضر در سنین پایین و حتی زیر بیست سال، باید خواستار ازدواج باشند. چه باید کرد؟  
از منظر و نگاه دین و شریعت، سه حکم برای ازدواج موجود است:  
1. جایز بودن ازدواج؛ بدین معنی که ازدواج در هر زمانی حتی قبل از بلوغ حرمتی ندارد. بلکه جایز است.  
2. مستحب بودن ازدواج؛ بدین معنی که ازدواج برای هر کسی که بالغ باشد و توانایی کنترل خود از حرام را داشته باشد، ازدواج برای او استحباب خواهد داشت.  
3. واجب بودن ازدواج؛ اگر کسی از این که به گناه بیفتد، نگران باشد، به فتوای برخی از فقها جامع شرایط 5 و هنگامی که فرد به گناه بیفتد، به فتوای عده‌ای از فقها<sup>6</sup>، ازدواج برای او واجب خواهد شد. در این صورت سن در وجوب ازدواج اهمیتی ندارد.  
به عبارتی؛ سن ازدواج آن سنی است که جوان احساس نیاز به ازدواج می‌کند و تقدیر الهی در وجودش این احساس نیاز را به جوشش می‌آورد؛ این سن ازدواج است.

منبع:

- [1]. نور، آیه 32
- [2]. بحارالانوار، ج 6، ص 24
- [3]. کافی، ج 5، ص 401
- [4]. مشکاة الانوار، ترجمه هوشمند و محمدی، ص 25
- [5]. توضیح المسائل<sup>13</sup> مرجع، ج 2، ص 493
- [6]. همان

عقیل مصطفوی مجد